

شرط قلندری «کچلی» نیست!

توصیه اینجانب به محمود احمدی نژاد مبنی بر احتراز از سخن گفتن از جانب مردم و اکتفایش به ابراز «انتقاد شخصی» از نظام، اسباب تکدر خاطر شیدائیان و علاقه مندان به آن «معظم له» (!) را فراهم کرد و شوریدگانه برآشت اند و با تندی و بدسگالی و بد دهانی و لنت رانی «محقر له» (!) را نکوهیدند که چرا «محمود ما» را که محبوب است و مرغوب است و ماه است و منیر است و دلیر است و حبیب است و عظیم است و بغایت مستظهر به شیدائی و فدائی و جان نثاری است، برنتافتی؟!

مزید اطلاع آن دلباختگان به آن دلربا معروض می دارد:
اولا اینجانب مدعی فقدان برخورداری ایشان از حامی نشدم بلکه ایشان را مشق تواضع دادم تا بیاموزد بنمایندگی از جانب قاطبه مردم سخنگویی نکند!

ثانیا عرض بنده نافی مشکلات عدیده مبتلابه کشور نبود و شخصا و بتناوب انتقادات خود را «بنمایندگی از جانب خود» و نه «مردم» تندتر و صریح تر از آن «معظم له» ابراز داشته ام.

ثالثا محمود احمدی نژاد باید بیاموزد نمی تواند و نباید در نظام مبتنی بر ولایت پنجه در صورت رهبری نظام بکشد و با شکلک در آوردن به راس حاکمیت علی رغم نظر رهبری در انتخابات ثبت نام کند و توقع نیز داشته باشند کماکان برای نظام دُردانگی کند!

رابعا اینجانب و امثال اینجانب از نسلی هستیم که با انقلاب خمینی و خمینی انقلاب روئیدیم و بالیدیم و ایشان آموختمان که با هیچ کس و در هیچ مرتبه ای عقد اخوت دائمی نبندیم و چارچوب اخوت مان به افراد، تنها مبتنی بر عملکرد معطوف به حق شان باشد.

نمی توان با ادعای سرباز ولایت بودن خود را در بازار سیاست «عرضه کرد» و بعد از کونه کردن خیارشان سینه به سینه ولایت «قرشمال بازی» درآورد!

نه هر که سر بتراشد قلندری داند!

والسلام!